



• پنج‌شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۰۴

حدیث روز

امام رضا(ع): آن که کار را از راهش بجوید نمی‌لغزد و اگر بلغزد راه چاره در پیش رو دارد.

بهارالانوار

ذکر روز پنج‌شنبه  
**صد مرتبه «لا اله الا...الملك الحق المبين»**  
 ذکر جمعه  
**صد مرتبه «اللهم صل علی محمد وآل محمد»**

در محضر بزرگان

عاق والدین گناه کبیره است

آیت... فاطمی‌نیا می‌فرماید: «اگر با والدین درشت صحبت کنید و آن‌ها را اذیت کنید، از گناهان کبیره است. بنده مطلبی را از قرآن کریم گفته‌ام که در هیچ تفسیری نیست، آن مطلب این است: ممکن است یک نفر نسبت به والدین نیکو کار باشد ولی عاق والدین هم باشد! در سوره مبارکه مریم(س) درباره حضرت عیسی(ع) می‌گوید: «ویرا بوالدتی و لم یجعلنی جبارا شقیّا» خدای تعالی من را نیکوکار به مادرم قرار داده است و من را جبار و سخت‌دل و عصیانگر قرار نداده است. درباره حضرت زکریا(ع) می‌گوید: «ویرا بوالدیه و لم یکن جبارا عصیّا» آن‌جا که پدر نیست و فقط مادر است «جبارا شقیّا»[می‌فرماید]. پس این نیکی کردن به مادر با جبار بودن منافاتی ندارد، ممکن است برای او پیراهنی هم بخرد و یک داد هم بر سر او بزند! این عاق والدین می‌شود دیگر! آن‌جا که هر دوی پدر و مادر هستند و انسان می‌خواهد بد اخلاقی کند، آن‌ها پشتیبانی یکدیگر را می‌کنند، این جامی‌شود «جبارا عصیا» جبار گنهار.».

وبسایت «ثقلین»

ریشه ضرب المثل

سنگ‌هار اوا بکنیم

قدیم‌ها که ترازوهای امروزی نبودند، برای وزن کردن اجناس مختلف در فروشگاه‌ها، از سنگ‌های ترازو استفاده می‌شد. آن‌وقت‌ها معمولا خریداران هم برای خودشان سنگی داشتند و برای اطمینان اجناس را با سنگ خود هم می‌سنجیدند. اما چون معمولا به خاطر ساییدگی یا خوردگی، وزن بعضی از سنگ‌ها تغییر می‌کرد، گاهی اتفاق می‌افتاد که بین فروشنده و مشتری به خاطر تفاوت وزن سنگ‌ها، اختلاف پیش می‌آمد. در چنین مواقعی طرفین ماجرا به‌اما کن رسمی می‌رفتند و جنس را با سنگ معتبر می‌سنجیدند تا اختلاف‌شان برطرف شود. مردم هم می‌گفتند «سنگ‌هار اوا بکنیم».

رفته‌رفته این جمله تبدیل به مثل شد و هر وقت دو نفر با هم در مسئله‌ای اختلاف پیدا می‌کردند می‌گفتند: «بیا بنشینیم و سنگ‌ها را وا بکنیم.»

برگرفته از: فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی، «گردآوری: امین خضرای

اندکی صبر

همراه باد

مهناز جالاکي

کسی مرا به نام می‌خواند و من در سکوت سرود خاموش خودم را شنیدم که همراه باد می‌رفت تا بی نهایت

دنیا به روایت تصویر



ای بی‌ای! هنرمند آلمانی «دو چرخه سوار ابری»، در شهر می‌راند و اگر هوا پاک باشد، حباب‌واگر آلوده باشد، دوداز! آگروزش خارج می‌کند

فتوشعر انتظار



باخانمان

من که مهر بون ترینم

زهرافریا اطنز پرداز

همه چیز از اون روزی شروع شد که خانم همسایه گفت: «وای شما چه دختر موجهی هستی» و من فکر کردم می‌خواد من رو تو ی سر دخترهای جلف خودش بزنه، غصه‌ام شد. گفتم: «حالا من اون قدرها هم که فکر می‌کنین موجه نیستم. این قدر رفتارهای زشت و ناموجه دارم. مثلاً اون قدر در ملا عام آب‌نبات چوبی خوردم تا حالا...» گفت: «نه کلانوی ذات موجهی. اهل کار خونه و مسئولیت پذیر هستی.» فکر کردم خونه‌داری منو می‌خواد تو سر بچه‌هاش بزنه، گفتم: «نه بابا. شما که نمی‌دونین. ماما من هر وقت می‌خواد بره بیرون و غذا رو می‌سپاره به من، غذا رو می‌سوزونم. خودم هم که آشپزی اینا اصلا بلد نیستم.»

این جا خانم همسایه یه تکنوی خور دو گفت: «خانواده مهمه. خانواده چی؟ اونم نداری یعنی؟» گفتم: «چرا چرا. ولی من اتفاقا به خانواده‌ام رفتم اصلا. این قدر پدر و مادر آرومی دارم ولی خودم شلوغ پلوغم، خانم همسایه که از پیدا نکردن مور دتوی سر زدن بچه‌هاش کم‌آورده بود، گفت: «برو روداری ولی ماشالا هزار ماشالا.» گفتم: «بروو؟ مرسی. ولی اینا همه‌اش عمل و تزریق و پروتز و بوتاکسه. من رو قبل عمل ندیده بودین. اون قدر زشت بودم که هیچ کس سراغم نمی‌اومد.» می‌بینین چه قلب مهر بونی دارم؟ به خاطر این که من رو نتونه توی سر بچه‌هاش بزنه، چقدر خودم رو پایین آوردم. و گر نه من که دست بچتم، خونه داریم، موجه بودنم و چهره زیبایم شهره خاص و عامه. اما کسی به من نگفته بود وقتی کسی از آدم تعریف می‌کنه ممکنه منظور دیگه‌ای داشته باشه. البته مهم‌تر از اون، کسی به من نگفته بود که خانم همسایه بعد شش تا دختر، یه پسر هم داره که من رو بر اش در نظر گرفته. حالا هر چی غذا درست می‌کنم، می‌فرستم طبقه بالا که ظرفش رو پسرش برگردونه، انگار نه انگار. بابا که پسر همسن و سال من دارین، یه گردنبند بندید که روش نوشته باشه: «من تورو برای پسر می‌خوام» و گر نه من به مهر بون بودنم مجبورم ادامه بدم و این پسرهای خودتون که مجرد می‌مونن. اصلا به من چه!

پرونده‌های مجهول

مردان سیاهپوش مر موز یا بیگانگان فضایی؟

میترا آتاتاری مترجم

**قسمت دوم)** اگر با سری پرونده‌های مجهول روزهای پنج‌شنبه همراه ما باشید احتمالا یادتان می‌آید که هفته گذشته از مردان سیاهپوش صحبت کردیم. مردان سیاهپوش، اشخاصی با لباس مشکی هستند که نام آن‌ها بارها در پرونده‌هایی ذکر شده که مربوط به آدم‌های فضایی است و بارها ادعا شده که آن‌ها در جایی که سفینه فضایی دیده شده یا تحقیقاتی درباره فضایی‌ها صورت گرفته، حضور پیدا کرده‌اند و باعث ترس شاهدان و محققان شده‌اند و آنان را با تهدید و ادا به سکوت کرده‌اند. مدار کی که از حضور آن‌ها وجود داشته همگی به طرز مر موزی ناپدید شده‌اند. به گفته شاهدان عینی، این مردان سیاهپوش همگی به یک شکل هستند. آن‌ها قدی بلند با چشمانی بزرگ، پوستی سفید و بی‌روح و صورتی بدون مژه و

ابرو دارند، کت و شلوار و کراوات مشکی می‌پوشند و کلاه سیاه روی سر بدون موی خود می‌گذارند. فیلم کمدی-اکشن «مردان سیاهپوش» و سریال معروف «فرینچ» براساس همین ماجراها ساخته شده‌اند.

یکی از شواهد حضور مردان سیاهپوش مربوط می‌شود به زوجی به نام جک و مری رابینسون که تصمیم گرفته بودند درباره موجودات فضایی تحقیقاتی را آغاز کنند. بعد از مدتی آن‌ها به یک سری نتایج جالب برای اثبات وجود موجودات بیگانه در زمین رسیدند. اما به گفته خودشان هر چه در تحقیقات شان موفق تر می‌شدند، اتفاقات عجیب و غریبی در زندگی شان رخ می‌داد. برای مثال هر وقت به خانه بر می‌گشتند متوجه می‌شدند کسی قبل از آن‌ها در خانه بوده و چیزی را جست و جو کرده است. این اتفاق بارها و بارها رخ داد تا این که این زوج متوجه شدند تحقیقات شان دستکاری شده است. مری



رویترو:ا پس از سیلاب، لا ئوس

تایخند

- بابام وقتی رتبه کنکور م‌رو دید فکر کرد ر قم اختلاسه، گفت سایت خبری چرا باز کردی؟ برو تو سنجش!
- رتبه کنکور مهم نیست، مهم اینه وقتی رفتی دانشگاه ترم اول عاشق نشی!
- یادش به خیر اون سالی که رتبه کنکور م‌رو واسه بابام فرستادم گفت شماره کارت نامعتبره!
- کنکوری که همه مجاز شدن، کنکور نیست که پیک شادیه!
- هر کی گفت «رتبه کنکور شخصیه» بدونید بدجوری گند زده، و گر نه این جماعت هر جا خوب باشه تا ۲۰۰ سال داد می‌زنه!
- سنجش قرار به بخش به سایتش اضافه کنه که فامیل‌های فضول توی خونه بتونن بهش مراجعه و رتبه کنکور بچه پسر عمه بابا بزرگشون رو در کسری از ثانیه مشاهده کنن!
- چه جور یاست؟ دوره ما رتبه کنکور شخصی نبود. تا همسایه بابا بزرگم هم زنگ می‌زد می‌پرسید بچه تون چیکار کرده! حالا که نوبت انتقام گرفتن ما رسید بیهوش شد شخصی؟؟
- رتبه‌های کنکور به ریاله، اصلا نگران نباشید!

دور دنیا

زندگی مسالمت آمیز در کنار کروکودیل‌ها



آدیتی سنترال- مردم روستایی در ۳۰ کیلومتری پایتخت بورکینافاسو، سال‌هاست که در صلح‌وار امش در کنار کروکودیل‌ها زندگی می‌کنند و هیچ مشکلی ندارند. مردم این روستا از ۱۵۰ کروکودیلی که در روستا زندگی می‌کنند هیچ وحشتی ندارند و حتی در طول روز در کنار آن‌ها دراز می‌کشند! بیش از سه دهه است که هیچ مودی از حمله این حیوانات وحشی به مردم محلی گزارش نشده است.

کیف‌های روانگشتی!



**تاکسل** - طراحان مد و فشن هر روز به دنبال خلایقیت بیشتر در کارهای شان هستند. جیمز بات، طراح انگلیسی یک شرکت پوشاک در این نوعی کیف ز نانه طراحی کرده که بسیار سبک است و به جای این که روی دوش قرار بگیرد، روی انگشت‌ها وصل می‌شود! این کیف‌ها از چرم با کیفیت بسیار بالا ساخته شده‌اند و به همین دلیل سبک هستند و قیمت بالایی دارند.

تا حالا دقت کردین



منش و تصویر سازی: صادق مرادی

منبع: Strangebuttruestories و یوتیوب



آسوشیتد پرس| تماشای مسابقه کریکت از جایگاه ویژه! سریلانکا

تفال

راهی ست راه عشق که هیچش کناره نیست آن جاز آن که جان بسپارند چاره نیست هر گه که دل به عشق دهی خوش دمی بود در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

کله چغوقی

آق کمال نصیحت می‌کند



آق کمال اهنه کاره

رتبه‌های کنکور آمد و مادر م جلسۀ اضطراری تشکیل داد با حضور مو و عیال. کاشف به عمل آمد که آبجیم رتبه قشنگی آورده. یعنی عدد رتبه اش جوری بود که باید سه تا سه تا انگوشت مذاشتم روش تا بنتم یکان، دهگان، صد هزارگان کنم. مادر م در حالی که اخماش تو هم بود رو به آبجیم گفت: «همی بود نتیجه او همه ز حمت‌هایی که بر ات کشیدم؟ باید مزماره همی جوری م‌دادی؟» آقام که داشت انگور دانه م‌کرد گفت: «حالا خوبه شمایی دگه، فدای سر همه‌تان. امسال نشد، سال دگه. میوه بخورن بچه‌ها.» مادر م حرصش گیر یفت و گفت: «همی دیگه؟ یگ سال از عمرش که ه‌در رفت چی؟ مو همسن ای بودم داشتم به کمال فرنی م‌دادم.» هوس فرنی کردم، گفتم: «خب بری چی ای جوری کردی؟ خوبه مو سر مشقت بودم، تویم همی جوری مخی سر مشق ای جمال بشی؟» همه بر گشتم جمال برا زمره نگاه کردم که یگ خیار کرده بود تودهنش و داشت پلی استیشن بازی م‌کرد.

آبجیم سر شه انداخته بود پایین و هیچی نمگفت. کاملیا خانم صداه صاف کرد رو به مو گفت که بقیه هم بشنفن: «حالا دنیا که به آخر نرسیده. من یادمه جمیله گفته بود از دانشگاه رفتن خوش نیما، همه چیز که دانشگاه نیست. همین چیزهایی که در ست می‌کنه و می‌فروشه، مگه کم کاریه؟ این قدر با سلیقه و قشنگ. اون همه هم مشتری پیدا کرده که نمی‌سه جوا بشون رو بده. اصلا پیچ خواهرت و هنر دستش رو دیدی؟» نیش آبجیم تا بنا گوش وارفت و دست عیال ره گیر یفت. مادر م فوری در یگ حرکت رو نالندوبی تغییر موضع داد و گفت: «فرون دختر هنر مند م بزم... انا حالا خوب رفت.

قرار بود ما سرز نشش کنیم که درس بخوانه، ولی بر عکس رفت. گفتم: «خب البته ایم خوبه، ولی به هر حال آدم باید دانشگاه هم بره تا هم درس زندگی یاد بگیره.» هم تو اجتماع بره، هم پس فردا حسرت نخوره که کاش محیط دانشگاه رم تجربه م‌کرد، هم... یگهو جمال پردیو وسط حرف م و گفت: «هم همکلا سیش از ش جزوه بگیره تا با دادا مبارک با دادا بشه!» آبجیم یکی زد پس کله اش و گفت: «من که دارم کلاس‌های فنی رو می‌رم، اون جا به همه این چیزهایی که شما میگی هم می‌رسم.» جمال یگ قاچ خر بزه کرد تودهنش و همجو که آبچیک م‌کرد گفت: «مواظب باش اونجا همکلا سی هات از پنجره خودشه پرت نکنن بیرون!» ایم از ای! وقتی مگن تلوزیون مثل دانشگاهه، همیه دگه.

مسابقه این کیه

شب، سکوت، کویر

سلام. این بار چهره یک شخصیت هنری روان‌تخاب کردیم. هنر مند پر آوازهای که شهر تشون در تمام دنیا بر کسی پوشیده نیست، شاید شناختن ایشان بر ای بعضی هاسخت باشه ولی گاهی مسابقه چالشی هم بد نیست! عکس و کاریکاتور ای هم که این جامی بیند آقا «عبدا...» پسر پنج ساله آقای «عبدالرحمان رحمتی» برنده مسابقه قبل هستن. دوباره بهشون تبریک می‌گیم.

**یادآوری روش مسابقه:** شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه و اسم اش رو تا ساعت ۲۳ فردا جمعه برای ما به شماره ۰۹۹۹۰۲۰۰ پیامک کنید. جواب رو دو شنبه همین جامی بیند. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و به عنوان جایزه، کاریکاتور برنده رو پنج‌شنبه هفته بعد همین جاخواهید دید. خوش باشین همیشه.



ماوشما

**داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۰۹۹۹۰۲۰۰ یا شماره ۰۳۹۱۵۲۰۹۲۱ در تلگرام بفرستید.**

\* خدای اطلسی‌ها با تو باشد، پناه بی کسی‌ها با تو باشد، تمام لحظه‌های خوب یک عمر، به جز دلواپسی‌ها با تو باشد... تولدت مبارک بابا جون.

صفا بهترین دخترت

\* یک ضرب المثل چینی می‌گوید: گربه را دم حمله بکش، پوستش را بکن، روده هایش را درآور، بده آشپز باشی برای ناهار فردا بپزد و با عروس خانم بخور، کله‌واچه که بره را تا اون جا رو هم سرد و گرم کنن!

از دست این چینی‌ها!

\* از مطالب زیبا و خواندنی که در بخش زندگی سلام چاپ می‌کنید سپاس گزارم.

\* **پیام صرفه جویی:** یه نکته جالب این که اگر در ورودی سرویس بهداشتی و حمام رو ببندیم، کلی تو مصرف انرژی صرفه جویی می‌شه. چون دیگه کولر یا بخاری لازم نیست زور بزن تا اون جا رو هم سرد و گرم کنن!